

نگرش فلسفی - ۲

سایه میثمی

معنا و معرفت در فلسفه گروایین

نگارخانه
نشر نگاه معاصر

فهرست

- سخن آغازین ۷
- مقدمه ۹
- فصل اول: پیشینه‌ی ظهور نظریه‌ی سماتیک کواین ۱۹
۱. ملاحظات اولیه ۲۱
 ۲. فرگه ۲۶
 ۳. راسل ۳۶
 ۴. ویتگنشتاین ۴۸
 ۵. پوزیتیویسم منطقی ۵۵
 ۶. نظریه‌ی صدق تارسکی ۶۲
 ۷. کارنپ و تحلیل سماتیک ۷۰
- فصل دوم: رهیافت‌های اصلی فلسفه‌ی کواین ۹۵
۱. ملاحظات اولیه ۹۷
 ۲. تجربی‌گرایی ۱۰۱
 ۳. کل‌نگری ۱۰۵
 ۴. وحدت‌انگاری روشی ۱۰۸
 ۵. اصالت عمل (پراگماتیسم) ۱۱۱
 ۶. فیزیکیالیسم ۱۱۳
 ۷. طبیعت‌گرایی (ناتورالیسم) ۱۱۵
 ۸. رفتارگرایی ۱۱۶
- فصل سوم: نظریه‌ی معنا ۱۱۹
۱. ملاحظات اولیه ۱۲۱
 ۲. احاله‌ی مسئله‌ی معنا به معناداری و هم‌معنایی ۱۲۳

۳. عدم تعیین ترجمه ۱۳۰
 ۴. حذف گزاره‌ها به مثابه‌ی معانی جملات ۱۷۷
 ۵. طرد مفهوم تحلیلی ۲۰۴

فصل چهارم: نظریه‌ی ارجاع

۱. ملاحظات اولیه ۲۲۷
 ۲. تکوین زبان ارجاعی و تشکیل شاکله‌ی مفهومی علم ۲۲۹
 ۳. التزام و وجودشناختی ۲۳۴
 ۴. ابهام در ارجاع و نسبیت و وجودشناختی ۲۵۵
 ۵. صدق ۲۷۱
 ۲۸۸

فصل پنجم: ارزیابی نظریه‌ی سمانتیک کواین

از حیث تقابل شکاکیت و واقع‌گرایی

۱. شکاکیت معنایی ۳۲۱
 ۲. ابهام در ارجاع و واقع‌گرایی ۳۲۳
 ۳. طبیعت‌گرایی کواین و معرفت‌شناسی طبیعی شده ۳۳۰
 ۴. سومین جزم تجربه‌گرایی و شکاکیت کواین از منظر دیویدسون ۳۳۷
 ۵. پاسخ به دیویدسون و توجیه واقع‌گرایی تجربی کواین ۳۴۵
 ۳۴۹

فهرست منابع

- مراجع ۳۶۰
 واژه‌نامه فارسی به انگلیسی ۳۸۰
 واژه‌نامه انگلیسی به فارسی ۳۸۲
 نمایه ۳۹۴
 ۴۰۶

سخن آغازین

در نگارش اثر حاضر که صورت اولیه‌ی آن رساله‌ی دکتری نگارنده در دانشگاه تهران بوده است، اساتید بزرگواری هر یک به شیوه‌ی خویش وی را یاری رساندند و اگر دلسوزی‌های علمی و دقت‌نظری در ریغ ایشان نبود، آنچه نگارنده در سر داشت، هرگز جامه‌ی تحقق نمی‌پوشید: آقای دکتر محمود خاتمی به عنوان استاد راهنما، آقای دکتر رضا داوری اردکانی و دکتر روح‌الله عالمی اساتید مشاور، در تمام مراحل نگارش با انتقادات و پیشنهادهای سودمند خود بر ارزش علمی اثر افزودند و در این چند کلام به هیچ وجه نمی‌توان قدر زحمات ایشان را به جای آورد. از سوی دیگر، این افتخار نصیب نگارنده شد که استادانی فاضل همچون آقای دکتر ضیاء موحد و آقای دکتر شاپور اعتماد نه فقط داوری کار را بر عهده گرفتند بلکه با انتقادات ارزشمند خود از کاستی‌های اثر کاستند. در پایان مراتب سپاس خود را تقدیم می‌کنم به استاد ارجمند جناب آقای دکتر مصطفی ملکیان که با تأیید طرح نخستین اثر نگارنده را دلگرم ساختند، در تهیه‌ی منابع وی را دستگیر شدند، و نهایتاً با مطالعه‌ی دقیق صورت نهایی این نوشتار، ضمن تأیید آن برای انتشار، مواردی را اصلاح فرمودند که نگارنده همه را به دیده‌ی منت پذیرا شد.

و اما نکته‌ای را جاع به خود کتاب که ذکر آن را لازم می‌دانم. در مطالعه‌ی این کتاب آنچه بیش از هر چیز می‌تواند مفید فایده باشد و بخش عمده‌ی کار را نیز تشکیل داده است، شرحی است که از نظریه‌ی سمانتیک کواین به دست داده‌ام که به خصوص در حوزه‌ی فلسفه‌ی زبان بسیار روشنگر است، هرچند که علاقه‌مندان به حوزه‌های دیگر فلسفه‌ی تحلیلی نیز آن را بی‌فایده نخواهند یافت. اما تا جایی که به نظریه‌ی

پیشنهادی نگارنده مربوط می‌شود، یعنی تلاش او برای اثبات واقع‌گرایی کوااین در چارچوب علم تجربی، چه بسا همچنان جای بحث و انتقاد باشد و تعدادی از منتقدین نمی‌توانند همسازی شکاکیت معنایی کوااین را با هیچ نوعی از واقع‌گرایی بپذیرند، حتی اگر واقع‌گرایی به تعبیر خاصی باشد که در این اثر ارائه شده است. نگارنده نیز اگرچه تلاش کرده است تا نشان دهد که کوااین در چارچوب نظام فلسفی خود و به خصوص در پرتو طبیعت‌گرایی‌اش، به رغم شکاکیت معنایی، توانسته است نوع خاصی از واقع‌گرایی، و نه واقع‌گرایی به معنای سنتی کلمه، را حفظ کند، در عین حال اقرار می‌کند که قرائت نسبی‌گرایانه از کوااین نیز ممکن است، به خصوص آن‌که عدم تعین معنای نفسی یکی از مفاهیم کلیدی در فلسفه‌ی نسبی‌گرایانه‌ی پُست مدرن است.

در پایان بر خود واجب می‌دانم از ناشر دلسوز و مشتاق جناب آقای اکبر قنبری از صمیم دل تشکر کنم و صادقانه بگویم که همت این بزرگوار در عرصه‌ی نشر دانش بی‌قیمت است.

مقدمه

فلسفه‌ی کوااین با ابعاد متنوعی که دارد، نه فقط تجسم بارز تحول نگرش و رهیافت‌های فلسفی در قرن بیستم است، بلکه از آن نیز فراتر می‌رود و در این کار نقاط عطفی در بطن فلسفه‌ی معاصر خود پدید می‌آورد. فلسفه‌ی کوااین را در عین تعلق خاطر به جریان‌های اصلی فلسفه‌ی این دوران و تأثیرپذیری از این جریان‌ها، یعنی پوزیتیویسم منطقی و اصالت عمل، نمی‌توان به یکی از آنها فروکاست، بلکه او با تأثیرپذیری و فراروی توأمان، نظامی برمی‌سازد که مختص به خود اوست. کوااین یک فیلسوف مؤسس و نظام‌ساز است، و این نظام‌سازی است که نه تنها او را از اکثر فیلسوفان تحلیلی متمایز می‌کند، بلکه تقریباً در هر حوزه‌ای از فعالیت فلسفی، رجوع به آرائش را ناگزیر می‌سازد. این یکپارچگی همچنین سبب می‌شود که فهم نظریات او در یک حوزه، غالباً بدون ورود به حوزه‌های دیگر میسر نباشد.

دامنه‌ی وسیع فلسفه‌ی کوااین به خصوص آنجا که معنا را طرد می‌کند و به عدم تعین ترجمه می‌رسد، و نیز قول او مبنی بر فرارفتن نظریه‌ها از قرائن مشاهده‌ای، حتی سبب شده است که بعضی میان او و فلسفه‌ی پُست-مدرن اروپایی، به خصوص سنت ساختارشکنی، قرابت‌هایی احساس کنند.^۱ آنچه این برداشت را موجب شده است، وجود رگه‌هایی

۱. حول این موضوع همایشی در سال ۱۹۹۰ با حضور کوااین و بسیاری فیلسوفان معروف از جمله دیویدسون، فولسدال، و امبرتو لاکو در دانشگاه سان مارینو برگزار شد که یک هفته به طول انجامید. مقالات ارائه شده در آن همایش در مجموعه‌ی زیر به